

ارائه چارچوبی اسلامی برای سلامت روابط جنسیتی دختران

حسین سوزنچی*

چکیده

رابطه (خارج از عرف) دختران و پسران، از معضلاتی است که در جامعه ما رو به فزونی است. بیداری غریزه جنسی همراه با شدت یافتن تحریکات جنسی در جامعه، توصیه به حرمت روابط آزاد را تا اندازه‌ای بی‌اثر کرده و فاصله میان بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی، تعجیل در ازدواج و تشکیل خانواده را ناممکن ساخته است. رابطه‌هایی از این دست، در فرهنگ غرب، عادی و بلکه مطلوب قلمداد می‌شود، اما در جامعه اسلامی، بحرانی است که باید چاره شود. از راه کارهایی که گاه پیشنهاد می‌شود، ازدواج موقت است؛ اما غالباً تنها از زاویه رفع نیاز پسران بدان توجه می‌شود؛ در حالی که باید به نیازها و مشکلات دختران نیز در این مسئله توجه شود. مسئله مقاله حاضر این است که چه شیوه‌ای برای مدیریت نیاز جنسی دختران در شرایط کنونی می‌توان پیشنهاد کرد و ازدواج موقت در این میان چه جایگاهی دارد؟ این مقاله می‌کوشد با تکیه بر خط مشی «مسئول کردن جوانان در قبال رفتارهای خود با جنس مخالف»، نشان دهد که چگونه می‌توان این رفتارها را با تصویری جدید، منضبط و مشروع، تا آنجا که ممکن است تحت مدیریت خانواده‌ها قرار داد؛ و افزون بر کنترل و سالم‌سازی روابط جنسی دختران و پسران، نگرانی‌های جامعه در زمینه ترویج این مسئله را رفع کرد.

کلیدواژه‌ها

دوستی، دختر، دوست پسر، نوجوان، جوان، رابطه جنسی، ازدواج موقت.

مقدمه

دوستی و رابطه (خارج از عرف) دختران و پسران پیش از ازدواج، از معضلاتی است که به دلایل متعدد - به ویژه در دو دهه اخیر - در جامعه ما رو به فزونی گذارده است. در جوامع غربی، این دوستی‌ها، نه تنها با هیچ گونه منع قانونی و یا ممانعت اخلاقی و عرفی روبه‌رو نیست، بلکه در چارچوب فرهنگ لیبرالیستی حاکم بر آن جوامع، مورد تشویق هم قرار می‌گیرد، اما بنابر تعالیم اسلامی، روابط میان افراد نامحرم تنها در چارچوب اقتضائات تعامل اجتماعی مجاز است و در این روابط باید حدود شرعی رعایت شود؛^۱ از این رو، آنچه امروزه تحت عنوان دوستی دختر و پسر در جامعه ما در حال گسترش است، با آموزه‌های اسلام و اقتضائات جامعه اسلامی ناسازگار است. قرآن کریم به صراحت هم دخترانی را که به دوستی‌های مخفیانه^۲ با پسران روی می‌آورند (متخذات اخدان) و هم پسرانی را که به دوستی‌های مخفیانه با دختران روی می‌آورند (متخذی اخدان) به شدت مذمت کرده، و ناپاکی حاصل از این دوستی‌ها را - حتی اگر به عمل زنا منجر نشود - در ردیف زناکاری دانسته است.^۳

بنابراین، ما با معضل ناسازگاری رفتارهای اجتماعی برخی از افراد جامعه با آموزه‌های

۱. حرمت «روابط آزاد جنسی» در اسلام، بر همگان روشن است. کسانی که به چنین روابطی اقدام می‌کنند، یا آموزه‌های اسلامی را باور ندارند، یا اگر خود را معتقد می‌دانند و اقدام خود را ناروا و گناه می‌شمرند، مدعی‌اند که توان ایستادگی در برابر این تمایلات را ندارند. اما گاه این مسئله این گونه مطرح می‌شود که «هر دوستی‌ای لزوماً رابطه نامشروع نیست!» و گاه حتی از سوی دختران و پسران متدین ابراز می‌شود که ما در این دوستی‌ها، ضوابط شرعی را رعایت می‌کنیم. البته هر چند «مطلق صحبت و گفت‌وگو و معاشرت دختر و پسر نامحرم» اشکال ندارد، اما حرمت و ناصوابی این روابط تنها محدود به حالتی که «پوشش از حد شرعی کمتر شود یا تماس برقرار شود» نیست؛ بلکه «صحبت و رابطه‌ای که حالت احساساتی و رابطه عاطفی به خود می‌گیرد و طرفین در صدد اشباع نیاز عاطفی و احساساتی خود هم هستند» حتی اگر با رعایت پوشش مناسب همراه باشد بی‌اشکال نیست؛ زیرا همان گونه که تمامی فقها بیان کرده‌اند، افزون بر نگاه کردن و سخن گفتن «از روی لذت» (یعنی با قصد شهوت‌رانی)، نگاه کردن و سخن گفتن «با ریه» نیز حرام است. نگاه (یا سخن گفتن) با ریه، یعنی نگاه (یا سخن گفتن) مشکوکی که احتمال به حرام افتادن دارد. برقرار شدن یک حالت عاطفی میان دو جنس مخالف - که خودشان از آن به دوستی تعبیر می‌کنند - اگر مصداق «شهوت‌رانی» نباشد، مصداق «ریبه‌ناک بودن» هست؛ و از همین رو، ناصواب است. البته به چرایی ناصواب بودن این موارد در ادامه تائید شده‌ای اشاره خواهد شد.

۲. توجه شود که مقصود از مخفیانه بودن این دوستی‌ها، نامشروع بودن آنهاست؛ یعنی گویی انجام‌دهنده آن، خود را از شر مخفی کرده است، نه این که اگر این دوستی‌های نامشروع آشکار و علنی شود اشکال ندارد.

۳. چرا که قرآن کریم این دوستی‌ها را افزون بر «زناکاری» (یعنی به عنوان عملی غیر از آن) و البته در ردیف آن، در مقابل پاکدامنی مطرح می‌کند: در آیه شریفه (مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ) (نساء: ۲۵)، زنان پاکدامن، در مقابل زنانی قرار داده شده‌اند که با زناکارند یا با مردان دوستی پنهانی دارند؛ و در آیه شریفه (مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ) (مائده: ۵)، مردان پاکدامن، در مقابل مردانی قرار داده شده‌اند که، با زناکارند یا با زنان دوستی پنهانی دارند.

دینی رایج در جامعه، روبه‌رو هستیم. یا باید این آموزه‌ها را نادیده گرفت و در شیوه و روش دینداری بازنگری کرد و یا - آن‌گونه که در این مقاله بر آن هستیم - برای ساماندهی و اصلاح این رفتارها و جهت دادن آن به سمت سبک زندگی دینی چاره‌ای اندیشید. توصیه به ازدواج موقت از راه کارهایی است که گاه در جامعه ما برای رفع این معضل پیشنهاد می‌شود، که البته، با مخالفت‌هایی، به‌ویژه از سوی زنان یا به بهانه حمایت از زنان، روبه‌رو می‌شود. اگرچه این مخالفت‌ها از زوایای گوناگون مطرح شده، اما دسته مهمی از این مخالفت‌ها، برآمده از مشکلاتی است که گمان می‌رود این راه کار برای آینده دختران پیش خواهد آورد. یکی از علل طرح این‌گونه مشکلات این است که غالباً هم پیشنهاد دهندگان و هم منتقدان، مسئله را تنها از زاویه رفع نیاز پسران در نظر می‌گیرند؛ و این مقاله قصد دارد تا جایگاه این راه حل را از زاویه نیاز و مشکلات دختران مورد بررسی قرار دهد.

طرح مسئله

حقیقت این است که نگرانی از آینده دختران گاه چنان جدی می‌شود که معضل امروز آنها دیده نمی‌شود. مسئله این است که بیداری غریزه جنسی دختر و پسر در این مقطع سنی و نیز شدت تحریکات جنسی در جامعه (نه فقط به دلیل تنزل وضعیت حجاب، بلکه همچنین به واسطه گسترش رسانه‌هایی همچون ماهواره، اینترنت و بلوتوث که تصاویر و فیلم‌های مستهجن و اطلاعات دقیق جنسی را به آسانی در اختیار نسل جدید قرار می‌دهد)، امری است که توصیه به حرمت روابط آزاد را تا اندازه‌ای بی‌اثر کرده؛ و از سوی دیگر با فاصله افتادن میان بلوغ جنسی (= سنی که غریزه جنسی فعال می‌شود) و بلوغ اجتماعی (= سنی که فرد آمادگی تشکیل خانواده را دارد)، توصیه به تعجیل در ازدواج دائم و تشکیل خانواده نیز غیر قابل دفاع و ناکارآمد شده؛ و مجموع این عوامل، زمینه‌ساز عادی شدن و بلکه تشدید روابط و دوستی‌ها میان دختر و پسر شده است. اگر دقت کنیم که دوستی دختر و پسر دو طرف دارد، به سادگی درمی‌یابیم که این وضع، نه تنها پسران، بلکه دختران را نیز در معرض تهدید قرار داده، و از این رو، شایسته است این مسئله از زاویه (نیازها و مشکلات) دختران نیز بررسی شود.

از مشکلات علوم اجتماعی در جامعه ما این است که به اقتضانات بومی کشور کمتر توجه دارد، از این رو، در فضای آکادمیک کشور، به‌ویژه در رشته‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، غالباً این مسئله به این صورت و از این زاویه (یعنی از زاویه ناهماهنگی این رفتارها با باورها و سبک زندگی دینی) جدی گرفته نمی‌شود تا راه حلی ارائه شود؛ اگر هم

از این زاویه مورد توجه قرار گیرد غالباً، و چه بسا ناخودآگاه، باورهای دینی ناسازگار با این سبک‌های رفتاری متجددمآبانه مورد تخطئه قرار می‌گیرند. وقتی مسئله آموزه‌های دین، نه به عنوان بیان واقعیت‌های اصیل زندگی که در متن جامعه ما نفوذ دارد و سبک زندگی مردم را رقم زده، بلکه در حد سلسله‌ای از توصیه‌های سلیقه‌ای اخلاقی فردی قلمداد، و جایگاه دین اسلام در اندیشه و باور جامعه اسلامی نادیده انگاشته می‌شود، ناخودآگاه بسیاری از راه‌حل‌ها به سوی تخطئه سبک زندگی دینی و القای سلیقه‌ای دانستن آن می‌رود.

جدی گرفتن اقتضائات اسلام و جامعه اسلامی موجب خواهد شد که در تحلیل این مسئله اجتماعی، از تبعیت بی‌چون و چرا از الگوهای نظری غرب در تحلیل مسائل اجتماعی پرهیز کرده و آموزه‌های وحیانی را نیز به عنوان یک منبع معرفتی - و نه فقط از زاویه ضرورت هماهنگی با باورهای فرهنگی این جامعه خاص - جدی بگیریم.^۱

با جدی گرفتن منبع معرفتی وحیانی از یک سو، و استفاده از تحلیل‌های فلسفی از انسان از سوی دیگر، تفاوت‌هایی میان انسان‌شناسی مبتنی بر باور به خداوند، با انسان‌شناسی ماتریالیستی‌ای که زیربنای تحلیل‌های اغلب علوم اجتماعی مدرن است، پدید می‌آید. بر اساس این انسان‌شناسی، غریزه جنسی امری نیست که هدفش تنها رساندن لذت به آدمی باشد، بلکه لذت حاصل از آن نیز برآمده از تدبیری هدفمند در نظام آفرینش است: هدف از آن ایجاد پیوندی میان زن و مرد است که افزون بر ضمانت بقای نوع انسان، ثمرات بسیاری در تکوین شخصیت آدمی دارد که با مدیریت صحیحی که تنها با ازدواج دائم و تشکیل خانواده می‌تواند حاصل شود، به عشق میان زن و مرد می‌انجامد؛ و خود عشق، مَرکب مهمی برای حرکت انسان به سمت سعادت حقیقی - خروج از مرتبه‌ای از محدودیت خودخواهی و رسیدن به مرتبه‌ای از کمال مطلق - است.

بدین ترتیب، با توجه به این که هدف اصلی مترتب بر غریزه جنسی، با ازدواج و تشکیل خانواده حاصل می‌شود، فاصله‌ای که امروزه میان بلوغ جنسی و زمان متعارف برای تشکیل

۱. این بحثی است که امروزه گاه تحت عنوان «علم دینی» یا «علوم انسانی اسلامی» از آن یاد می‌شود. به نظر می‌رسد جدا از تصاویر مغشوش و ساده‌انگارانه‌ای که از این مفهوم رواج یافته، بتوان از معنای موجهی از این مفهوم سخن گفت. خلاصه تصویری که نگارنده از «علم دینی» دارد این است که علم دینی، علمی است که: (۱) مبادی و پیش فرض‌های آن، مبادی معتبر معرفتی، و از همین روی، مورد قبول دین باشد؛ (۲) افزون بر مجموع دستاوردهای ادراکی معتبر خود بشر (مانند تجربه و استدلال)، مجموع آموزه‌های ارائه شده در دینی که حقیانیتش اثبات شده را نیز به عنوان منبع معرفت‌زا به رسمیت می‌شناسد؛ (۳) در راستای غایات دین واقع شده باشد. ضمناً دینی بودن آن به معنای نقدناپذیری آن نیست؛ بلکه همان‌گونه که علم فقه یک علم دینی است، اما فقها همواره به نقد و بررسی و رد و قبول دیدگاه‌های یک‌دیگر می‌پردازند، در این جا نیز امکان رد و قبول وجود دارد (نک: سوزنجی، ۱۳۸۸). در این مقاله بر اساس این مبنا به ارائه راه کار اقدام شده است.

خانواده پدید آمده، علی‌القاعده ناصواب است؛ به این معنا که اگر قرار باشد - در عرصه برنامه‌ریزی کلان اجتماعی - راه حل و تمهیدی اندیشه شود، در درجه اول باید ناظر به کاهش و حذف این فاصله باشد. همچنین در وضع مطلوب، محل اصلی اشباع این غریزه، خانواده است، و تحریک جنسی در خارج از نظام خانواده جایی ندارد. با این حال، امروزه به دلایلی وضعیت جامعه چنان است که نه تنها با این وضع آرمانی متفاوت است، بلکه گاه آن را نه ممکن می‌داند و نه مطلوب و هم این فاصله را امری عادی و طبیعی می‌انگارد، و هم محدود کردن این رابطه‌ها را چندان بر نمی‌تابد.

به نظر می‌رسد شکل‌گیری این نگرش، تحت تاثیر سبک زندگی جدیدی است که از جوامع غربی به کشور ما رسوخ کرده است. در نظام مدرن - تحت تأثیر لیبرالیسم و فردگرایی^۱ افراطی مستتر در آن از یک‌سو، و اومانیسم و منحصر دیدن حقیقت انسان در حیات و لذا بدنیوی از سوی دیگر - غریزه جنسی، تنها از منظر لذت شخصی مدنظر قرار گرفته و ضرورت تشکیل خانواده در تکوین هویت آدمی، عملاً انکار شده است؛ هر چند که در خود آن جوامع گاه و بیگاه اعتراضاتی بر این انگاره می‌شود (برای مثال لوکاس، ۲۰۰۶).

در جوامع غربی، این سبک زندگی با باورهای لیبرالیستی جامعه در باب مسائل جنسی سازگار است: تشکیل خانواده، تنها یک پیوند رومانتیک است و موضوعیتی در رفع نیازهای جنسی ندارد؛ و به بهانه آزادی، فرار از مسئولیت‌پذیری در قبال روابط با جنس مخالف، ترویج و حتی جوان از همان ابتدای بلوغ (برای مثال، به بهانه کسب تجربه برای زندگی آینده) تشویق می‌شود که نیاز جنسی خود را به هر طریق ممکن - روابط آزاد با جنس مخالف، خودارضایی و یا حتی همجنس‌بازی - رفع کند. در چنین فضایی روابط جنسی پیش از ازدواج و حتی پس از ازدواج، و بلکه تشدید تحریکات جنسی که به ترویج هر چه بیشتر روابط آزاد (=نامشروع و غیرمسئولانه) می‌انجامد، امری کاملاً موجه قلمداد می‌شود؛ و شاید تنها دغدغه‌ای که وجود دارد، افزایش آمار حاملگی در دوره نوجوانی است،^۲ که البته می‌کوشند تا این مشکل را نیز با گسترش «آموزش‌های جنسی» در مدارس مرتفع سازند.

اما اگر ما نخواهیم این الگو را بپذیریم و بر آن باشیم که به الگوی اسلامی در باب زندگی

1. individualism

۲. لازم به ذکر است که بر اساس آمارها تا سال ۱۹۹۱، «در آمریکا در هر ۳۱ ثانیه، یک نوجوان دختر باردار می‌شود و در هر دو دقیقه، یک نوجوان دختر، مادر می‌شود و نوزادی به دنیا می‌آورد. هر سال در حدود یک میلیون دختر زیر ۲۰ سال باردار می‌شوند (هاردی و زابین، ۱۹۹۱)، که سن نیمی از آنان کمتر از ۱۸ سال است. از این مادران ۴۰۰۰۰۰ نفر دست به سقط جنین می‌زنند و حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر فرزند خود را به دنیا می‌آورند و بقیه جنین‌شان ناخواسته سقط می‌شود» (دیکلمنت و همکاران؛ ۱۹۹۶: ۳۱۵).

وفادار بمانیم، آیا می‌توان راه‌کاری برای مدیریت نیاز جنسی در دنیای جدید یافت؟

گام اول: پیش‌گیری از وقوع دوستی‌های دختر و پسر

به نظر می‌آید از آن‌جا که سبک زندگی جدید غربی که در مسیر عادی‌سازی روابط و دوستی‌های دختر و پسر و تغییر هنجارهای اسلامی به هنجارهای سکولار حرکت می‌کند، در کشور ما روبه‌گسترش و فزونی است، راه‌حل این معضل، پیش از هر چیز، ترویج سبک صحیح زندگی و اصلاح نگرش جامعه به جایگاه ازدواج است. در آموزه‌های اسلام، مسئولیت‌پذیری در برابر رفتارهای خویش، از ویژگی‌های اصلی انسان است، و از این رو، تنها راه معجز ارضای غریزه جنسی، پذیرش مسئولیت در قبال جنس مخالف در چارچوب قانون ازدواج است؛ پس نخست باید برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی و اجتماعی ناظر به کم‌کردن و برداشتن فاصله میان بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی باشد؛ و ثانیاً فرهنگ جامعه به گونه‌ای مدیریت شود که زشتی این رابطه‌های خارج از چارچوب ازدواج، جدی انگاشته شود و تحریکات آزاد جنسی در جامعه رو به کاهش باشد. در صورتی که این استراتژی به نحو کلان در جامعه پیاده شود، مشکل چندانی نخواهد ماند و با رفع زمینه‌های شکل‌گیری این دوستی‌ها، صورت مسئله منتفی می‌شود.

در همین فضا می‌توان از راه‌کارهای مستقیم‌تر ناظر به پیش‌گیری از این دوستی‌ها نیز سخن گفت، راه‌کارهایی که توجهات انسان را به گونه‌ای مدیریت می‌کند که با کاهش جاذبه‌ها و تنش‌های جنسی هم برای خود فرد و هم در محیط اجتماعی، وضعیت به گونه‌ای درآید که یا این نیاز چندان تحریک نشود و یا مطالبه این نیاز در آدمی قابل مهار باشد. این راه‌کارها را می‌توان در محورهای «اندیشه‌ای» (آگاهی بخشی درباره عواقب دوستی‌های دختر و پسر، تفکر در باب فلسفه زندگی و تقویت باور به خدا و جدی گرفتن آخرت)، «گرایشی» (توجه به کرامت خویش و ضرورت مدیریت خواسته‌ها) و «رفتاری» («رعایت حدود الهی»، «مدیریت اوقات فراغت» و...) ارائه داد که در این باره سخنان زیادی گفته شده است.^۱

اما می‌دانیم که وضعیت جامعه ما اکنون به شکلی درآمده که زدودن فاصله میان بلوغ جنسی و اجتماعی چندان سهل و آسان نیست و دست کم نیازمند سیاست‌گذاری و

۱. نگارنده در این زمینه در جای دیگری به تفصیل بحث کرده است (نک: سوزنجی، ۱۳۹۲ الف) همچنین، در فرا تحلیلی که درباره این موضوع انجام شده، می‌توان مصادیق متعددی برای این‌گونه راهکارها مشاهده کرد (نک: احمدی، ۱۳۸۶).

برنامه‌ریزی طولانی مدت است. در این فاصله اگر چه باید کم کردن تنش‌های جنسی و دیگر راه کارهای پیش‌گیری را جدی گرفت؛ اما لازم است برای زمان گذار - یعنی تا وقتی که هنوز این فاصله و این مطالبه هست - چاره‌ای اندیشید.

گام دوم: درمان مسئله دوستی دختر و پسر (از زاویه دختران)

با توجه به تفاوت‌های واقعی میان روحيات و نیازها و حتی نحوه ارضا و برآورده شدن غریزه جنسی میان زن و مرد، راه کارهای اسلام، اقتضائات متفاوتی برای دختران و پسران دارد که هنگام طرح آنها باید بدان تفاوت‌ها توجه کرد. از مهمترین عواملی که موجب تفاوت راه‌حل‌ها برای دختران و پسران می‌شود این است که نیاز به جنس مخالف، یک بُعد مادی (رابطه جنسی) دارد و یک بُعد معنوی (رابطه عاطفی). اگر چه هم در دختر و هم در پسر، هر دو بُعد این نیاز وجود دارد، اما در مجموع، در دختران بُعد معنوی این نیاز بر بُعد مادی آن غلبه دارد؛ و در پسران، بُعد مادی بر بُعد معنوی. به تعبیر دیگر، دختر در درجه اول دنبال یک رابطه عاطفی، و سپس رابطه جنسی است؛ اما پسر در درجه اول خواهان رابطه جنسی است، که چه بهتر که توأم با رابطه عاطفی باشد؛ از این رو، در راه کارهای مربوط به دختران، سرمایه‌گذاری عاطفی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. دیگر این که همان‌طور که به لحاظ جسمی، نقش زن و مرد در رابطه جنسی متفاوت است، به لحاظ روحی و روانی نیز، روحیه مردان ابتدایی و شروع کننده، و روحیه زنان عموماً انعکاسی و پاسخ‌دهنده است. از این رو، غالباً زمانی یک دختر حاضر می‌شود که به لحاظ جسمی خود را در اختیار پسر قرار دهد که ابتدا با برخورد‌های عاطفی و دریافت محبت، آمادگی روحی پیدا کرده باشد. این امر موجب می‌شود شیوه حل مسئله در مورد دختران ویژگی‌های متفاوتی پیدا کند، به طوری که اگر راه کارهای پیش‌گیری و کنترل موفق نبود، باز هم می‌توان با برنامه‌ریزی مناسب، نیاز جنسی دختر را در مراحل متوقف ساخت؛ و در این فضا است که باید راه کار ازدواج موقت را، نه یک راه کار ابتدایی، بلکه در میانه چند راه کار و پس از ناموفق بودن آنها ملاحظه کرد.

پیش از ورود در راه کارها و تعیین جایگاه ازدواج موقت در میان آنها، تذکر چند نکته که به فهم مطلب کمک می‌کند، ضروری است:

۱. این راه کارها در درجه اول برای کسی مطرح می‌شود که در مجموع قصد دارد خود را در فضای دینداری و با رعایت تعالیم اسلام حفظ کند؛ و گرنه کسی که بدون توجه به تعالیم شرع، خود را به آسانی در معرض تحریکات متعدد قرار دهد، معلوم نیست که این راه کارها چه اندازه برایش مؤثر باشد. به تعبیر دیگر، راه کارهای شریعت، راه کارهایی برای کسی است

که ضرورت کنترل متعادل خود را باور دارد، و البته، نمی‌خواهد رهبانیت پیشه کند؛ و گرنه راهی برای ارضای خواسته‌های کاذب کسی که خود را به آسانی در معرض هیجان‌ات افراطی قرار می‌دهد، وجود ندارد. بر همین اساس، پیشنهاد کسانی که برای جلوگیری از دوستی دختر و پسر و ارضای غریزه جنسی «خودارضایی» را به عنوان یک راه مطرح می‌کنند، نیز پیشنهاد ناصوابی است؛ چرا که حتی صرف نظر از آثار سوء این اقدام در زندگی آینده شخص، خودارضایی در اسلام حرام دانسته شده (نک: حر عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱۸: ۵۷۵) و گاه در زمره گناهان کبیره و در ردیف زناکاری قرار داده شده است (دستغیب، ۱۳۸۳: ۳۳۲-۳۳۶).

۲. در این جا مسئله دختران و راه‌حلی که برای خود این افراد می‌تواند مطرح شود، مدنظر است و گرنه از منظر کلان، چنان که اشاره شد، وظایف خانواده، جامعه و حکومت (مانند این که معضلاتی را که موجب شده فاصله بلوغ جنسی و زمان تشکیل ازدواج دائم زیاد شود، رفع کنند، زمینه‌های تحریک شهوت را به حداقل برسانند، و...) به قوت خود باقی است.

۳. این راه کارها مبتنی بر یک خط‌مشی کلان است؛ و آن این که با مسئول کردن جوانان در قبال رفتارهای خود با جنس مخالف، و فرهنگ‌سازی لازم در زمینه ازدواج موقت، تلاش شود که این رفتارها تا آن‌جا که ممکن است تحت مدیریت خانواده‌ها قرار گیرد. بدون پذیرش این خط‌مشی، این راه کارها غیرقابل دفاع خواهند بود.

۴. چنین نیست که تمایل دو جنس مخالف، فقط تمایلی برای ارضای جسمی باشد. چنان که اشاره شد می‌توان میان بُعد معنوی نیاز بین دو جنس مخالف (نیاز عاطفی) و بُعد مادی آن (نیاز به رابطه جنسی) تفاوت گذاشت. البته، در بسیاری از موارد، روی خوش نشان دادن به این نیاز عاطفی و عدم رعایت حریم‌ها، زمینه‌ساز غلیان نیاز به رابطه جنسی می‌شود و شاید به همین جهت است که اسلام موانع متعددی برای جلوگیری از پیدایش این نیاز عاطفی بین دو جنس مخالف - اگر نخواهند در چارچوب ازدواج باشند - قرار داده است (مانند حرمت تنها بودن دو نامحرم در مکان خلوت، و حرمت سخن گفتن و نگاه کردن توأم با ریه). اما توجه به تفاوت این دو نیاز و این که می‌توان از راه‌هایی نیاز اول را بدون ورود در نیاز دوم تأمین کرد، برای فهم راه کارهایی که در ادامه می‌آید، مهم است، و اما راه کارها به ترتیبی که باید مطرح شوند، چنین‌اند:

الف) افزایش تقویت ارتباط عاطفی پدر با دختر

اشاره شد که می‌توان میان «نیاز عاطفی به جنس مخالف» و «نیاز به رابطه جنسی» تفکیک کرد. آنچه از سیاق روایات برمی‌آید و بحث‌های روان‌شناسی نیز موید آن است این است که نیاز دختری که تاکنون تجربه جنسی نداشته، به جنس مخالف، عمدتاً، یک نیاز عاطفی و

احساسی است تا برقراری رابطه جنسی. دختر در درجه اول و پیش از هر چیز مایل است که فردی از جنس مخالف، او را دوست بدارد و به او ابراز محبت کند. عشوه‌گری دختران نیز پیش از هر چیز برای جلب توجه و احساسات مرد به سوی خویش است.^۱

بنابر برخی روایات، حیایی که به‌طور فطری در زن قرار داده شده، بیشتر و شدیدتر از حیای مرد است، و با این که مراحل از این حیا در مراحل مختلفی همچون بلوغ، خواندن خطبه عقد، همبستری، و زایمان زایل می‌شود، اما مراحلی که باقی می‌ماند، با توجه به وجود همسر شرعی، می‌تواند وی را حفظ کند.^۲ شاید از این گونه روایات بتوان استفاده کرد که دختر، در مراحل اولیه بلوغ و مادامی که تجربه رابطه جنسی نداشته، اگر با عوامل بیرونی تحریک نشود و «نیاز وی به محبت از جانب جنس مخالف» به شیوه صحیح برآورده شود، با توجه به وجود آن حیای فطری که مانع غلیان غریزه جنسی می‌شود، این احتمال که خواستار مراحل بعدی باشد، کاهش می‌یابد؛ و دختر در حد همان مراحل اولیه، به لحاظ عاطفی ارضاء و اشباع می‌شود و خواسته‌اش متوقف می‌شود. به تعبیر دیگر، اگر کسی که به لحاظ عاطفی به دختر ابراز محبت می‌کند، خواهان برقراری روابط جنسی نباشد، احتمال این که دختر در همان ابتدا تقاضای رابطه جنسی کند بسیار کم است؛ و غالباً این گونه بوده که پس از ابراز محبت به وی، از او تقاضای رابطه جنسی می‌شده و او به این تقاضا پاسخ می‌گفته

۱. حتی در جامعه‌های مثل آمریکا که روابط جنسی آزاد است و داشتن دوست پسر (boyfriend) برای دختران کاملاً عادی و بلکه مطلوب است، بسیاری از دختران هنگام دوستی فکر نمی‌کنند کار آنها به رابطه جنسی کشیده شود. برای مثال، در یکی از پژوهش‌هایی که در آمریکا در مورد نوجوانانی که روابط جنسی دارند (سن ۱۵ تا ۱۹ سالگی) انجام شده «وقتی محققان برای اولین بار از نوجوانان می‌پرسند که چرا در جلوگیری از حامله شدن تعلل می‌کنید؟ با چند پاسخ روبه‌رو می‌شوند. [...] سومین پاسخ «عدم تمایل برای تصمیم‌گیری آگاهانه درباره فعالیت جنسی» است. برای مثال، می‌گویند «من تنها انتظار داشتم روابط نزدیک‌تری با دوست‌پسرم داشته باشم» یا «من برنامه‌ریزی داشتم که رابطه جنسی نداشته باشم». [دو پاسخ قبلی، یکی «عدم دسترسی به وسایل جلوگیری» و دیگری «ترس از عوارض جانبی این وسایل، یا ترس از این که والدین بفهمند آنها درگیر روابط جنسی‌اند» است] «خدا یاری فرد و عابدینی، ۱۳۸۶: ۹۵». این نشان می‌دهد که حتی در چنان محیطی که تحریکات جنسی شدید است و امکان ارتباط جنسی نیز فراهم است و به ظاهر قبحی هم برای این کار وجود ندارد، جمع زیادی از دختران، در ابتدای دوستی با جنس مخالف، به چیزی بیش از رابطه عاطفی نمی‌اندیشند.

۲. امام صادق ۷ فرمود: «الْحَيَاءُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تَشَعُّ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ فَإِذَا حَاصَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ مِنْ حَيَاتِهَا وَإِذَا تَرَوَّجَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ فَإِذَا افْتَرَعَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَإِذَا وَلَدَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَيَبْقَى لَهَا خَمْسَةٌ أَجْزَاءُ فَإِذَا فَجَرَتْ ذَهَبَ حَيَاؤُهَا كُلَّهُ وَإِنْ غَفَّتْ بَقِيَ لَهَا خَمْسَةٌ أَجْزَاءً»؛ حیا ده قسمت دارد که نه‌تای آن در زنان و یکی در مردان است. پس هنگامی که زنی عادت ماهیانه‌اش شروع شود، یک جزء از حیایش می‌رود؛ وقتی ازدواج کرد، جزء دیگر؛ وقتی همبستر شد، جزئی دیگر؛ وقتی فرزندی به دنیا آورد، جزئی دیگر؛ و برای وی پنج جزء باقی می‌ماند. اگر مرتکب فحشا شود، کل حیای وی از دست می‌رود و اگر پاکدامنی پیشه کند، آن پنج جزء برایش باقی می‌ماند (صدوق، ۱۴۰۹: ۴۶۸/۳؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۲۴۴/۱۰۰).

است. بدین سان اگر فردی از جنس مخالف که طمع جنسی به دختر ندارد و علی‌القاعده به او پیشنهاد رابطه جنسی نمی‌دهد (مانند پدر) دائماً به دختر محبت کند، می‌تواند نیاز عاطفی وی را رفع کند، بدون این که نیاز به رابطه جنسی در او فعال شود.^۱ شاید یکی از حکمت‌هایی که اذن پدر برای ازدواج دختر شرط شده، همین باشد. در روایات اسلامی تأکید فراوانی بر محبت کردن پدر به دختر شده است. این محبت در بسیاری از موارد اگر به گونه‌ی درست تحقق یابد می‌تواند در فاصله بلوغ جنسی تا زمان ازدواج دائم، آن نیاز دختر به جنس مخالف را برآورده سازد، به گونه‌ای که دختر دیگر انگیزه چندانی برای ارتباط با فرد نامحرم نداشته باشد. اگر توجه شود که این اذن تنها توسط پدر و جد می‌تواند صادر شود و در صورت فوت آنها، این اذن ساقط است، شاید بتوان احتمال داد که چنین محبتی که بتواند نیاز دختر به جنس مخالف را برآورده و مرتفع کند - یعنی ابراز محبتی که هم کاملاً عاطفی و احساسی باشد و هم طمع جنسی در مرد وجود نداشته باشد - عمدتاً توسط پدر یا جد قابل ارائه است.^۲ در هر صورت در این جا اگر پدر به وظیفه خود درست عمل کند، تا اندازه‌ی زیادی مشکل مرتفع می‌شود.^۳

۱. توجه شود که البته این اشباع عاطفی توسط پدر زمانی می‌تواند مؤثر باشد که کنجکاوای جنسی دختر بر حیا فطری وی غلبه نکرده باشد. در پسران به خاطر مسئله احتلام و جنابت، حتی قبل از برقراری رابطه جنسی با جنس مخالف، پسر درک و تجربه‌ای از لذت جنسی دارد؛ اما دختران، تا پیش از رابطه جنسی، تجربه کاملی از این لذت ندارند و در حالت طبیعی، حیا فطری، مانع ابراز تمایل آنها به برقراری کامل رابطه جنسی می‌شود. به ظاهر مهمترین عاملی که می‌تواند بر این حیا فطری غلبه کند، حس کنجکاوای است و از همین روست که اگر تحریکات خارجی (مانند تصاویر و فیلم‌ها و حکایات مستهجن) برای او زیاد باشد یا مدت زمان زیادی از بلوغ جنسی او گذشته باشد که به‌طور طبیعی، برای مثال، اطلاعاتی که به دست آورده حس کنجکاوای وی را تحریک کرده باشد، در چنین شرایطی، معلوم نیست حیا فطری و محبت پدر برای عدم ابراز تمایل وی کفایت کند و اگر راه شرعی برایش باز نباشد و امر قوی‌تری (مانند عقاید راسخ دینی) مانع وی نشود، احتمال پیشنهاد رابطه نامشروع از جانب وی زیاد می‌شود.

۲. بدین صورت که اگر آنها در قید حیاتند، چون عملاً امکان رفع نیاز دختر وجود دارد، فشار جنسی دختر به حدی نمی‌رسد که مضطر به رابطه با مرد دیگر شود؛ به همین دلیل، این رابطه منوط به اذن آنها شده؛ اما در جایی که آنها نباشند، چون کس دیگری نمی‌تواند این نیاز را مرتفع کند، اذن کس دیگری لازم نیست. البته، چنان‌که اشاره شد این مطلب، صرفاً یک احتمال است و به عنوان یک عامل (و نه تنها عامل) از عوامل متعددی است که می‌تواند به عنوان فلسفه اذن پدر در نظر گرفته شود. به ظاهر عامل مهمتر، ناآشنایی دختران با فریب‌های پسران، و زودباور بودن آنها در زمینه‌های احساساتی و عاطفی است.

۳. متأسفانه کم نیستند پدرانی که به دلایل مختلف رفتار سردی با فرزندان خود دارند و گاه به خاطر تلقی نادرست از مفهوم ابهت پدری، محبت خود نسبت به فرزندان خویش را مخفی می‌کنند. در چنین مواردی، لزوماً راه برای دختر بسته نیست. در این شرایط، حتی اگر دیگران هم نتوانند چنین پدری را به رفتار صحیح هدایت کنند، خود دختر می‌تواند با رفتارهای محبت‌آمیز و مداومت در ابراز محبت به پدر - که این ابراز محبت، نه تنها زبانی، بلکه باید از طریق انجام کارهایی برای پدر، مانند به استقبال وی رفتن هنگام ورود وی به منزل، مرتب و آماده کردن لباس وی، و... ←

البته، نقش مادر را در این زمینه نباید نادیده گرفت؛ هرچند نقش وی در این مسئله، بیشتر غیرمستقیم است. یکی از خواسته‌های جنس زن از جنس مرد، اقتدار و ابهت است. این مطلب، همان‌طور که در مورد زن نسبت به شوهرش صدق می‌کند، در مورد دختری که قرار است فعلاً و در دوره گذار، محبت پدرش نیاز وی را برآورده سازد نیز صادق است. پدری بر دختر خود تاثیرگذار است و می‌تواند نیاز عاطفی وی را برآورده نماید که دخترش اقتدار و ابهت وی را قبول داشته باشد. این اقتدار و ابهت در درون خانواده، بیش و پیش از هر چیز با توجه به رفتاری که همسرش با وی دارد، نزد دختر بروز می‌یابد و تثبیت می‌شود. به تعبیر ساده‌تر، پدری نسبت به دختر خود اقتدار و ابهت لازم را دارد، که در خانه و نزد همسرش این اقتدار و ابهت وی حفظ شده باشد. شاید یکی از علل تأکید اسلام بر حفظ احترام همسر، همین حفظ اقتدار وی در خانه و نزد فرزندان باشد.^۱ به هر حال، اگر والدین به وظایف خود در قبال هم‌دیگر و در قبال دختر خود درست عمل کنند، می‌توان امید داشت که احتمال تاثیر فساد جامعه پیرامونی بر دختر نیز کاهش یابد.

بدین ترتیب، والدین در درجه اول، برای حفظ دختر از آلوده شدن به روابط نامشروع دو وظیفه دارند: الف) کنترل اجمالی محیط زندگی دختر و دور نگه داشتن وی از تحریکات کاذبی که از طریق برنامه‌های ماهواره‌ها، فیلم‌ها، اینترنت، پسران لایبالی و... در یک کلام - محیط نامطلوب اجتماعی، برای او پیش می‌آید و ب) افزایش کمی و کیفی ارتباط محبت آمیز میان پدر و دختر، و حفظ جایگاه پدر توسط مادر.

ب) تسهیل در ازدواج و برقراری ازدواج دائم با مسئولیت محدودتر

یکی از موضوعاتی که ذهن بسیاری از دختران و پسران را به خود مشغول می‌کند، ازدواج و تشکیل خانواده است. متأسفانه برخی از والدین از روی دلسوزی ناشی از جهالت، مایلند هیچ یک سختی‌هایی که خود در زندگی دیده‌اند، برای فرزندان‌شان پیش نیاید و انتظار دارند زمانی فرزندان‌شان به ازدواج اقدام کنند که همه امکانات فراهم باشد. از این رو، روال‌های سخت‌گیرانه‌ای را، چه از زاویه خود دختر (مانند این که هنوز جهیزیه‌ات کامل نشده است)، و چه از زاویه همسر احتمالی وی (خواستگارت خانه و ماشین و... ندارد)، در پیش می‌گیرند که مرتب ازدواج دختر به تاخیر می‌افتد. اگر هم تمایل خود برای ازدواج را مطرح کند با این

← تحقیق پذیرد - عاطفه پدری و ابراز محبت پدر نسبت به خود را در وی برانگیزاند.

۱. البته، از زاویه اقتدار، این سخن در مورد مادر نیز جاری است: مادری نزد فرزندان خویش اقتدار و احترام و حرف‌شنوی دارد که همسرش در خانه و نزد فرزندان احترام وی را حفظ کرده باشد.

پاسخ روبه‌رو می‌شود که «هنوز زود است». اما نوجوان و جوان چقدر باید صبر کنند؟ او می‌بیند در حالی که رسیدن به زندگی مقبول و دسترسی به زوج مناسب این اندازه دشوار است، برقراری ارتباط با جنس مخالف در قالب دوستی‌های مخفی به سادگی امکان‌پذیر است. به تعبیر دیگر، اگر خواستگاری برای دختر پیدا شود، با چنان شرایط دشواری روبه‌رو می‌شود که پشیمان می‌شود، اما همین خواستگار اگر نخواهد از راه شرعی و قانونی اقدام کند، به سادگی امکان برقراری انواع ارتباط، حتی تا حد رابطه جنسی، با همین دختر را دارد. ایجاد چنین شرایط دشواری، پیامی ساده و روشن هم به دختر و هم به پسر می‌دهد و آن این است که به جای اندیشیدن به ازدواج، در اندیشه برقراری روابط پنهانی باشید. البته، هر میزان رنگ‌مایه‌های آموزه‌های دینی و عفاف و تقوا در فرد پررنگ‌تر باشد، احتمال این که به این پیام شیطانی جواب مثبت دهد، کمتر می‌شود؛ اما آیا شیطان آسوده می‌نشیند؟ این جاست که باب توجیهات باز می‌شود و برای مثال، با این توجیه که «برای ازدواج هم آشنایی لازم است» این دوستی‌ها آغاز می‌شود.^۱

پس بی‌شک، یکی از وظایف مهم خانواده‌ها (و نیز دختر و پسر) ساده گرفتن ازدواج و کاستن از انتظارات است.^۲ اگر دختری شریک زندگی مناسبی داشته باشد و زندگی شیرینی را، ولو در یک خانه اجاره‌ای، تجربه کند، پسی بهتر از این است که به دور از چشم والدین و با نگرانی همیشگی، روابط غیرمنضبطی را با افرادی برقرار کند که به یقین، خیرخواه او نخواهند بود.

یکی از راه‌کارهایی که در جامعه ما وجود دارد و ترویج آن می‌تواند نقش مؤثری در حفظ جوانان داشته باشد، «ازدواج دائم با مسئولیت محدود» است که در ادبیات عمومی از

۱. بسیاری از خانواده‌ها گمان می‌کنند که تقوا و فرهنگ مذهبی می‌تواند مانع محکمی در برابر برقراری این دوستی‌ها باشد. اگر چه به هیچ وجه نباید نقش تقوا و فرهنگ مذهبی را نادیده گرفت و قطعاً توان مقاومت فرد متقی در برابر این وسوسه‌ها بسیار بیشتر است، اما اشتباه است اگر بخواهیم به بهانه تقوای درونی از برنامه‌ریزی بیرونی شانه خالی کنیم. مروری بر تعالیم اسلام نشان می‌دهد که، به‌ویژه در عرصه‌های جنسی، اسلام صرف بسنده کردن به تقوای درونی را برای رفع مشکل کافی نمی‌داند (برای مثال، خلوت کردن زن و مرد نامحرم را حرام می‌شمارد؛ یعنی غریزه جنسی به قدری قوی است که به تقوای درونی زن و مرد نامحرم اعتماد نکرده، بلکه اصرار دارد برنامه‌ریزی‌های خارجی به‌گونه‌ای باشد که این دو در موقعیتی که امکان روابط نامشروع برایشان فراهم است، قرار نگیرند).

۲ این مسئله که به خاطر مسائل اقتصادی، مانع ازدواج دختر و پسر نشوید، هم در آیات قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته و خداوند وعده داده که اگر آنها فقیر هم باشند، خداوند با فضل خود آنها را بی‌نیاز می‌کند: (وَأَنْكحُوا الْيَتَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (نور/۳۲)؛ و هم در روایات و سیره معصومین: بر این نکته تصریح شده، چنان‌که امام باقر ۷ از پیامبر اکرم ۹ روایت کرده‌اند که ایشان می‌فرمایند: «اگر پسری به خواستگاری دختر شما آمد که خلق و خو و دینش را پسندید، به ازدواج آنها اقدام کنید؛ که اگر نکنید [و برای مثال، مسائل اقتصادی و امثال آن را بهانه کنید]، به فتنه و فساد عظیم خواهد انجامید» (کلینی، ۱۳۸۳: ۳۴۷/۵).

آن با تعبیری همچون «نامزدی» یا «فاصله انداختن میان عقد و عروسی» یاد می‌شود. اگرچه در شرایط کنونی، غالباً این گزینه در مواردی انجام می‌شود که طرفین آمادگی کامل برای ازدواج دارند و تنها جهت آشنایی بیشتر با روحیات هم‌دیگر چنین دوره‌ای را قرار می‌دهند، اما می‌توان این حالت را گسترش داد و برای مواردی که دختر احساس نیاز به رابطه با جنس مخالف می‌کند، اما هنوز خودش یا خانواده‌اش آمادگی لازم را ندارند، نیز تجویز کرد. در این حالت والدین توجه دارند که هنوز فرزندشان به درجه‌ای نرسیده که آمادگی ورود در زندگی کاملاً جدید و تشکیل خانواده را داشته باشد، اما چون نیاز وی را جدی می‌بینند، سعی می‌کنند فردی را که هم‌شان فرزندشان است و می‌تواند برای ازدواج با وی مناسب باشد، پیدا کنند؛ دختر و پسر را برای هم‌دیگر نشان کنند و با خواندن خطبه عقد، آن دو را به هم محرم سازند؛ اما از همان ابتدا توافق می‌کنند که تا مدتی، برای مثال، تا پایان تحصیلات، دختر در خانه پدر زندگی کند.

بدین ترتیب، دختر از آن‌جا که می‌تواند روابطی با یک پسر به نحو مشروع و مجاز داشته باشد، نیازش اشباع می‌شود و در حالی که هنوز بار مسئولیت خانواده بر دوشش سنگینی نکرده، کم‌کم خود را آماده ورود به خانه و خانواده جدید می‌سازد. چنین الگویی، به لحاظ فقهی نیز مشکلی ندارد؛ زیرا عملاً با الهام از مفهوم حقوقی ازدواج موقت (ازدواجی که بار مسئولیت کمتری بر دوش طرفین می‌گذارد، نه پسر ملزم به پرداخت نفقه است و نه دختر ملزم به تمکین از همسر در مسائل اجتماعی است) ارائه شده است؛ یعنی تنها تفاوتش با ازدواج موقت آن است که طرفین متعهد به ادامه زندگی مشترک هستند و برای جدایی نیازمند طلاق‌اند؛ اما محسن آن این است که با بار فرهنگی منفی‌ای که ازدواج موقت را دربر گرفته روبه‌رو نیست و انجام آن در جامعه ساده‌تر است. اگرچه در عرف کنونی، این کم‌کردن مسئولیت‌ها در چنین ازدواجی تنها با توافقات شفاهی انجام می‌پذیرد، اما طرفین می‌توانند با افزودن «شرایط ضمن عقد» به متن عقدنامه، به این توافقات بار حقوقی ببخشند تا برای طرف مقابل الزام‌آور شود.

یکی از مزایای این اقدام - که از مزیت‌های ازدواج موقت نیز هست - این است که چون رابطه دختر و پسر در این حالت رسمیت می‌یابد، امکان ارائه آموزش‌های جنسی مورد نیاز به دختران فراهم می‌آید. یکی از مهمترین مشکلات روابط آزاد در دختران این است که چون بسیاری از دختران از ابتدا قصد برقراری روابط جنسی نداشته و آگاهی‌های لازم را کسب نکرده‌اند و اطلاعاتی را هم که دارند، از منابع غیرمعتبر به دست آورده‌اند، به تدریج، دچار مشکلات متعددی (چه از حیث بیماری‌های مقاربتی و چه از حیث بارداری‌های

ناخواستگی) می‌شوند؛^۱ در حالی که اگر قبل از آغاز دوستی - که رسماً با خواندن خطبه عقد آغاز می‌شود - بتوان آموزش‌های لازم را به وی ارائه داد، می‌توان جلوی بسیاری از این مشکلات را گرفت.

از سوی دیگر، یکی از مشکلات ارائه عمومی آموزش‌های جنسی این است که خود این آموزش‌ها زمینه اشتیاق به این روابط را تشدید می‌کند و از این رو، آموزش همگانی آنها با چالش‌هایی روبه‌روست؛ اما در حالت پیشنهادی، اولاً نیازی نیست که این بحث‌ها به عنوان آموزش همگانی، برای مثال، در سطح مدرسه یا دانشگاه، مطرح شود؛ بلکه افرادی که می‌خواهند به این گونه دوستی‌های مشروع اقدام کنند، (همانند دیگر ازدواج‌های متعارف) با اطلاع و هدایت خانواده‌ها در جریان این آموزش‌ها قرار می‌گیرند، و ثانیاً در خصوص افراد محل بحث، چون قرار است به صورت رسمی، با خواندن خطبه عقد، امکان برقراری رابطه میان دختر و پسر مهیا شود، تشدید اشتیاق حاصل از کسب این اطلاعات، لزوماً مخرب نخواهد بود و جامعه نیز قبحی از حیث آموزش این رفتارها به دختران مشاهده نمی‌کند؛ در نتیجه عملاً امکان پیش‌گیری از آن مشکلات بیشتر می‌شود.

ج) ازدواج موقت با شرط رفتارهای جنسی محدود

اما اگر به هر دلیل، اشباع عاطفی دختر توسط پدر حاصل نشد (برای مثال، به دلایل مختلف اجتماعی، تحریکات خارجی به نحوی تشدید شد که حس کنجکاوی جنسی دختر بر حیای فطری او چیره گشت و برنامه‌های تفریحی خانواده و محبت‌پدیری نتوانست مانع فعال شدن تمایل جنسی وی شود)، و امکان «ازدواج دائم با مسئولیت محدود» نیز وجود نداشت، چه باید کرد؟ راه کاری که با توجه به تعالیم اسلام می‌توان پیشنهاد داد، ازدواج موقت است.^۲ در اسلام، ازدواج به دو قسم «دائم» و «موقت» (در اصطلاح، «متمعه») تقسیم می‌شود.^۳ تفاوت

۱. چنان که پیشتر اشاره شد، بلکه حتی در جامعه اروپا، درصد زیادی از دخترانی که ناخواسته باردار شده بودند، علت حاملگی خود را این معرفی کرده بودند که فکر می‌کردیم رابطه دوستی ما در حد رابطه عاطفی بماند و باور نمی‌کردیم که به این مرحله برسد.

۲. این مسئله که خداوند در قوانین خود در باب شیوه ارضاء و برآوردن غریزه جنسی، ملاحظه امکانات افراد مختلف را نموده و از همین رو، افزون بر ازدواج عادی، باب ازدواج موقت را نیز (برای افراد خاص) گشوده، مطلبی است که نه فقط معاصرین (نک: مطهری، ۱۳۶۹: ۵۹-۶۱)، بلکه اصحاب ائمه^{علیهم‌السلام} نیز مورد تأکید قرار می‌دادند؛ برای مثال، هشام بن حکم، (از اصحاب امام صادق و امام کاظم^{علیهم‌السلام}) فلسفه تشریح ازدواج موقت را همین ملاحظه می‌داند و تبیین می‌کند که چرا با این که فلسفه باز کردن باب ازدواج موقت، نیاز افراد خاص است، اما خداوند قانون را به نحو عام و قابل استفاده برای همه ارائه کرده است (کلینی، ۱۳۸۳: ۳۶۳/۵-۳۶۴).

۳. مسئله ازدواج موقت (تمعه) به صراحت در قرآن کریم ذکر شده است: (وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَفْوَاهِكُمْ

حقوقی ازدواج موقت با ازدواج دائم در این است که، «ازدواج موقت از لحاظ حدود و قیود، آزاد- یعنی وابسته به اراده و قرارداد طرفین- است» (مطهری، ۱۳۶۹: ۵۶). این بدان جهت است که هدف از آن، محرم شدن یا صرف لذت بردن از هم‌دیگر است و طرفین فعلاً نمی‌خواهند تشکیل خانواده دهند؛ اما هدف اصلی ازدواج دائم، تشکیل خانواده و بنیان‌گذاری یک زندگی مشترک است، و محرم شدن و التذاذ جنسی، از ثمرات این اقدام است.^۱

تفاوت مهم ازدواج موقت با روابط آزاد جنسی این است که در روابط آزاد، طرفین هیچ مسئولیتی در قبال یک‌دیگر ندارند؛ از این روست که در روابط آزاد، چون روابط از دوستی‌های ساده آغاز می‌شود و به تدریج و بدون برنامه‌ریزی- به‌ویژه بدون آمادگی‌های لازم در دختر- پیش می‌رود، غالباً دختر است که به لحاظ فرهنگی لطمه اصلی را متحمل می‌شود. اما در ازدواج موقت، چون طرفین در قالب یک قانون مشروع به روابط با هم‌دیگر اقدام می‌کنند، مسئولیت رفتارهای خود را می‌پذیرند و نسبت به هم احساس مسئولیت می‌کنند. آشکارترین ابعاد این مسئولیت‌پذیری اموری است مانند این که مرد خود را در قبال فرزندی که ممکن است به‌طور ناخواسته به دنیا بیاید، مسئول می‌بیند؛ و یا این که دختر به خاطر رعایت شرع، عملاً تنها با یک پسر رابطه برقرار خواهد کرد.

همچنین اگر توجه کنیم که ازدواج موقت، به‌ویژه در مورد دختر باکره، به معنای برقراری تمامی روابط جنسی نیست، می‌توان و حتی شاید لازم باشد با شروط ضمن عقد، محدوده‌هایی برای این روابط برقرار کرد؛ و در این جا بُعد دیگری از ثمرات این مسئولیت‌پذیری را می‌توان مشاهده کرد؛^۲ چرا که دیگر دختر غافلگیر نمی‌شود و این‌گونه

←
 مُخْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاصَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ (نساء: ۴: ۲۴)؛ و غیر از این [زنان نامبرده] برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود [با دادن مهریه] طلب کنید در صورتی که با کدامن باشید و زناکار نباشید؛ و زنانی را که متعه کرده‌اید مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید؛ و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرر با یک‌دیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مهر را کم یا زیاد کنید].

۱. بر همین اساس، به لحاظ شرعی حتماً باید مدت رابطه در ازدواج موقت ذکر شود و با پایان یافتن مدت، زن و مرد مانند گذشته به یک‌دیگر نامحرم می‌شوند و برای جدایی آنها دیگر طلاق نیاز نیست؛ و همچنین حقوق و وظایفی که زن و شوهر در زندگی خانوادگی نسبت به هم دارند (مانند این که تامین معاش، پوشاک و مسکن [= نفقه] زن بر عهده مرد است، خروج زن باید با اذن مرد باشد، از هم‌دیگر ارث می‌برند، جلوگیری از بچه‌دار شدن نیازمند اجازه طرفین است، و...) در ازدواج موقت وجود ندارد. البته، در ازدواج موقت هم همانند ازدواج دائم، زن باید «عده» نگهدارد (یعنی تا مدت معینی پس از جدایی، حق ازدواج با مرد دیگر را ندارد) هر چند زمان عده ازدواج موقت متفاوت است.

۲. برای مثال، می‌توان شرط گذاشت که حد روابط دختر و پسر در حد گفت‌وگوها و نگاه‌های عاطفی و صمیمانه (که اغلب به خاطر ریه‌ناک بودن، به خودی خود، حرام است)، برداشتن مراتبی از حجاب، و یا... باشد. این مطلب که شرط ←

نیست که رابطه به تدریج و بی‌این که دختر متوجه شود، پیش برود؛ بلکه چون طرفین از ابتدا با رعایت شرع و دینی و اخلاقی دانستن اقدام خود، به این عرصه وارد شده‌اند، اگر احیاناً پسر بخواهد از محدوده‌های توافق شده فراتر برود، باید توافق آگاهانه دختر را جلب کند، و همین مانع غافلگیری وی می‌شود.

به اعتقاد برخی «اگر باب این روابط ولو به صورت محدود باز شود، حتماً پسر کاری خواهد کرد که کم‌کم دختر تا انجام آخرین مراحل راضی شود» اما لزوماً این گونه نیست و بهترین شاهد آن همین است که در وضعیت کنونی که این دوستی‌ها در فضای غیرشرعی رخ می‌دهد، چنان نیست که همواره از دختران رفع بکارت شود. البته، شاید برخی از پسران از همین قانون نیز سوءاستفاده کنند، اما نکته مهم این است که در وضعیت کنونی که دوستی‌های غیرشرعی رخ می‌دهد، آیا وضعیت بهتری حاکم است؟ توجه شود که این راه کار، توصیه ابتدایی به دختران نیست، بلکه راه کاری است برای دخترانی که در معرض این روابط قرار گرفته و اگر راه مشروع مقابل آنها نباشد به راه‌های نامشروع (که متأسفانه در حال شیوع است) کشیده می‌شوند، آن هم وضعیتی که یک دختر با چندین پسر ممکن است رابطه برقرار کند. در واقع، یک تفاوت مهم این نوع حل مسئله در مقایسه با وضعیت موجود، این است که در بحث حاضر، طرفین چون در فضای دینی به این عمل اقدام کرده‌اند، احتمال این که تا آخر به ضوابط دینی پای‌بند بمانند، بسیار بیشتر از حالتی است که از ابتدا این روابط را در خارج از چارچوب فضای شرعی آغاز می‌کنند.

د) ازدواج موقت بی‌قید و شرط

اگر در مورد دخترانی که احتمال می‌دهیم در شُرُف ورود در دوستی‌های غیرمجاز هستند، بحث «ازدواج موقت با رفتارهای جنسی محدود» (که دست کم، رفع بکارت نشود) مطرح می‌شود، در مورد دخترانی که به این دوستی‌ها کشیده شده و رابطه جنسی را تجربه کرده و از آنها رفع بکارت شده و امکان یا آمادگی ازدواج دائم ندارند، باید راه کار ازدواج موقت را به گونه‌ای جدی‌تر مطرح کرد. دختران تا پیش از برقراری رابطه جنسی کامل، تجربه‌ای از لذت کامل جنسی ندارند و اگر تمایلی به رابطه کامل داشته باشند، این تمایل، در درجه اول

کنند روابط جنسی کامل برقرار نشود، از ویژگی‌های ازدواج موقت است؛ و حتی در روایات متعددی، در بحث ازدواج موقت با دختران باکره، توصیه‌های شدیدی شده که از دختر رفع بکارت نشود (کلینی، ۱۳۸۳: ۴۶۲/۵-۴۶۳). گویا در ازدواج دائم چنین شرطی مجاز نیست، اما در ازدواج موقت مجاز است و مرد حق تخطی ندارد (حر عاملی، ۱۴۱۳: ۷۲/۲-۷۳)، مگر این که رضایت زن را برای رفع این شرط جلب کرده باشد.

از مقوله کنجکاوی جنسی است که حیای فطری آنها غالباً بر این حس کنجکاوی غلبه می‌کند. چیزی که می‌تواند بر این حیای فطری غلبه کند، «اشباع عاطفی» همراه با «تحریکات جنسی» است. از این روست که اگر خانواده، دختر را از وقوع در معرض تحریکات جنسی (همانند دیدن فیلم‌ها و تصاویر و شنیدن حکایت‌های مستهجن) حفظ کند، و پدر نیز وظیفه خود در اشباع عاطفی دختر را به‌خوبی انجام دهد، حیای فطری تا اندازه‌ی زیادی بر کنجکاوی جنسی غلبه می‌کند و دختر حفظ می‌شود.

پسرانی هم که قصد غلبه بر دختران را دارند دقیقاً از همین مکانیسم استفاده می‌کنند، یعنی کار خود را با اشباع عاطفی (ابراز محبت) آغاز می‌کنند و این اشباع عاطفی را با تحریکات جنسی^۱ توأم می‌سازند تا کم‌کم کنجکاوی جنسی دختر بر حیای فطری‌اش غلبه کند و وی خواهان روابط جنسی بیشتر شود. اگر این روابط عاطفی به نحوی بود که همراه با احساس رضایت و لذت به حد رفع بکارت رسید، دختر حالت جنسی جدیدی را تجربه کرده است و وضعیت چنین دختری با دختری که چنین حالتی را تجربه نکرده متفاوت است. چنین دختری، از این پس، خود خواهان تکرار این تجربه است و دیگر این‌گونه نیست که فقط پس از دعوت و ابزار محبت از سوی جنس مخالف، خواستار این رابطه شود، بلکه چه بسا ممکن است از این پس، او پیشنهاد رابطه جنسی به پسران بدهد. برای چنین دختری، اگر امکان ازدواج دائم فراهم نباشد، قطعاً باید امکان ازدواج موقت آن هم بدون محدودیت، را فراهم کرد، وگرنه نه تنها احتمال اقدام ابتدایی وی به برقراری روابط نامشروع زیاد است؛ بلکه عامل ترویج گناه در جامعه نیز می‌تواند باشد. البته، باید تلاش کرد که وضعیت چنین دختری به سمت «ذواقیت»^۲ کشیده نشود، هر چند خود مسئله عدم جواز شرعی ارتباط وی با بیش از

۱. مقصود از تحریکات جنسی، تنها تماس‌های بدنی نیست، هر چند که این تماس‌ها مهم‌ترین آنهاست؛ بلکه برای هر یک از حواس بدن، عرصه‌ای برای تحریکات جنسی وجود دارد و از همین رو، در اسلام محدودیت‌های تحریکات جنسی، تنها محدودیت‌های لمسی نیست، بلکه برای بینایی، شنوایی، بویایی و چشایی هم محدودیت‌هایی مطرح شده است. غالباً در فضاهایی که پسر قصد دارد روابط را از روابط عاطفی به سمت روابط جنسی پیش ببرد، از موسیقی‌های تحریک‌کننده، تصاویر مستهجن، پوهای محرک، و مشروبات الکلی نیز استفاده می‌شود.

۲. «ذواقیت» به این معناست که فرد مایل باشد دائماً لذت ارتباط با اشخاص مختلف را بچشد. روایات متعددی در این زمینه وارد شده است از جمله، امام صادق ع روایت کرده‌اند که در زمان پیامبر ص شخصی بود که ازدواج می‌کرد و زنش را بدون دلیل رها می‌کرد و ازدواجی دیگر می‌کرد، خبرش به حضرت رسید، فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْغِضُ أَوْ يَلْعَنُ كُلَّ ذَوَّاقٍ مِنَ الرِّجَالِ وَ كُلَّ ذَوَّاقَةٍ مِنَ النِّسَاءِ» (کلینی، ۱۳۸۳: ۵۴/۶). اگرچه اغلب بحث ذواقیت در مورد مردان مطرح می‌شود (برای مثال: مطهری، ۱۳۶۹: ۷۷)، اما این روایت نشان می‌دهد که این مسئله برای زنان نیز ممکن است؛ و اگرچه پاره‌ای از زنان به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی و... به فحشا روی می‌آورند، اما به نظر می‌رسد که مسئله ذواقیت نیز در تحقق فحشا نقش دارد.

یک نفر به ضمیمه مسئله ضرورت «عده» نگه داشتن، عامل مهمی برای جلوگیری از آنها برای افتادن در وادی «ذواقیت» است؛ چرا که هر بار که بخواهد شریک جنسی خود را عوض کند، مدت مدیدی از این رابطه محروم می‌شود.

چاره‌اندیشی برای دغدغه‌های اجتماعی درباره ازدواج موقت

از آنجا که بحث ازدواج موقت در جامعه غالباً با افراط و تفریط‌هایی روبه‌رو بوده، و نیز بدبینی‌ها و مقاومت‌هایی در این زمینه وجود دارد، ترویج این راه‌کار نیازمند فرهنگ‌سازی است و در این مسیر هنگام توصیه ازدواج موقت برای دختران، باید نکاتی را در نظر گرفت:

۱. تا آنجا که ممکن است، این روابط باید تحت نظارت خانواده باشد^۱ و وجود چنین روابطی تحت نظارت خانواده، به‌ویژه چون کاملاً مطابق با شرع است، لطمه جدی‌ای^۲ به شخصیت دختر و پسر نخواهد زد؛ چرا که خداوندی این قانون را وضع کرده که خالق است و بیش از همه به ظرافت‌های وجودی دختران آگاه است.

۲. در شرایط فرهنگی کنونی کشور، بسیاری از پدران به دلیل تعصبات یا نگرانی‌های فرهنگی با چنین اقدامی مخالفت می‌ورزند؛ و اگر منطق پیش‌گفته پذیرفته شود، باید برای رفع این تعصبات و نگرانی‌ها چاره‌ای اندیشید. یک راه این است که آنها را از عواقب سوء این تعصبات آگاه سازیم تا دریابند که اگر آنها - چه به خاطر سهل‌انگاری و چه حتی با وجود رفتارهای سنجیده و انجام مراقبت‌های لازم برای جلوگیری از وقوع در فضاهای تحریک‌کننده - نتوانسته‌اند کاری کنند که تا پیش از زمان ازدواج دائم، نیاز دختر به ارتباط جنسی فعال نشود، اگر تدبیری برای ارضای شرعی نیاز غریزی وی نیندیشند - در بسیاری از موارد - آن دختر به‌طور مخفی و از راه نامشروع این نیاز و خواسته را برآورده خواهد کرد و

۱. بنابر فتوای اغلب مراجع تقلید معاصر، اذن پدر برای ازدواج موقت دختر باکره شرط است (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۰: ۳۸۷/۲، مسئله ۲۳۷۶) و رعایت این شرط عملاً مستلزم آگاهی و نظارت خانواده بر این رابطه است.

۲. برخی بر این باورند که «دختران به دلیل وابستگی عاطفی به طرف مقابل، پس از اتمام مدت متعه، ضربه روحی می‌خورند و به دلیل تجربه جنسی قبل از ازدواج، شور جنسی و عشق کمتری در آغاز زندگی مشترک خواهند داشت». از آنجا که تحقیق میدانی مشخصی در این فضا انجام نشده، نمی‌توان میزان صحت سخن فوق را مشخص کرد؛ اما حتی اگر این سخن پذیرفته شود، باید توجه کرد که راه‌کار پیشنهادی فوق در عرصه‌ای است که دختر تمایل به جنس مخالف دارد و در صورت عدم وجود راه مشروع، چه بسا در مسیر نامشروع بیفتد؛ و بی‌شک این اقدام مشروع که نوعی انضباط و محدودیت در روابط را نیز در پی دارد، بسیار سالم‌تر از ارتباط آزاد خواهد بود. توجه شود که این راه حل، برای وضعیت واقعی و در مقام تصمیم‌گیری بین این گزینه‌های موجود ارائه شده است، نه برای وضعیت آرمانی. ضمن این‌که که اگر حکمت خدا را قبول داریم، بی‌شک راهی که شرع برای انسان گشوده، چنان نخواهد بود که مسیر اصلی زندگی انسان را مخدوش کند؛ از همین‌رو از تعبیر «لطمه جدی» استفاده شد.

آنگاه که مسیر مخفی و نامشروع باز شود، کنترل او بسیار سخت خواهد بود و ضرباتی که دختر از این راه می‌خورد به مراتب شدیدتر است. در واقع، بسیاری از چنین والدینی به جای حل مسئله، سعی می‌کنند تا اصلاً به مسئله فکر نکنند و همین مشکل است که امروزه سبب شده تا برخی از دختران، به دور از چشم والدین خود، گاه نه فقط با یک نفر، بلکه با چند نفر ارتباط برقرار کنند^۱ و والدین در این توهمند که دخترشان پاکدامن است؛ و باید بدانها نشان داد که ندیدن مسئله، مسئله را حل نمی‌کند؛ و آگاه‌سازی آنها از وضعیت جامعه در این زمینه بسیار مؤثر است.

۳. غیر از این تعصبات، نگرانی‌هایی نیز برای والدین وجود دارد که باید بدان‌ها نیز پاسخ گفت. مهمتر از همه این است که: «اگر دختر ازدواج موقت کند، دیگر کسی حاضر به ازدواج دائم با وی نخواهد بود!» در این باره چند نکته می‌توان مطرح کرد: نخست این که از همان ابتدا بهتر است دختر با کسی ازدواج موقت بکند که شایستگی آن را داشته باشد که بعدها با هم ازدواج دائم کنند؛ یعنی اگر نیاز جنسی دختر شکوفا شده، بهتر است والدین از همان زمان درصدد ازدواج دائم برای وی برآیند؛ و اگر با توجه به این که فعلاً شرایط اجتماعی و عدم بلوغ اجتماعی، اجازه تشکیل خانواده را نمی‌دهد، گزینه «ازدواج دائم با مسئولیت محدود» را در پیش گیرند یا دست کم همین روابط محدود (ازدواج موقت) را میان او و پسری برقرار کنند که قابلیت احتمالی آن را داشته باشد که بعدها همسر دائمی وی شود. ثانیاً، اگر فرهنگ‌سازی شود، به نظر می‌رسد این مشکل به تدریج برطرف می‌شود، چنانکه در صدر اسلام و یا در برخی جوامع شیعی کنونی مانند لبنان، با وجود رواج ازدواج موقت، چنین مشکلی مطرح نشده است. ثالثاً، اگر به اصل مسئله دقت شود توصیه اول، ترغیب دختران به ازدواج موقت نبود، بلکه این راه حل در شرایطی بود که امکان ازدواج دائم (حتی با مسئولیت محدود) فراهم نیست و دختر در معرض گناه قرار گرفته است. در این جا اگر ازدواج موقت انجام نشود، اغلب وضعیت اسف‌باری که شهید مطهری آن را «کمونیسم جنسی» نامیده‌اند، پدید می‌آید؛^۲ یعنی وضعیتی که برخی از دختران، نه فقط با یک پسر، بلکه

۱. در برخی از روایات دقیقاً بر این مطلب که ازدواج موقت زنان، راهی است که آنها را از ارتباط‌های چند نفره حفظ کند، تصریح شده است. امام صادق ۷ در پاسخ نامه یکی از اصحابش نوشته‌اند: «اما این که گفته بودی که گاه چند نفر با یک زن ارتباط دارند (انهم یترادفون المرأة الواحدة)، به خدا پناه می‌برم از این که چنین چیزی در دین خدا و دین رسولش باشد. دین او آنچه را خدا حلال کرده، حلال؛ و آنچه را خدا حرام کرده، حرام می‌کند؛ آنچه خدا برای زنان حلال کرده، «متعّه» است...» (حرعاملی، ۱۴۱۳: ۵۵/۲۱).

۲. «ازدواج موقت از آن جهت تشریح شده است که ازدواج دائم به تنهایی قادر نبوده است که در همه شرائط و احوال رفع احتیاجات بشر را بکند و انحصار به ازدواج دائم، مستلزم این بوده است که افراد یا به رهبانیت موقت مکلف گردند و یا ←

با چند پسر رابطه برقرار خواهند کرد. به بیان دیگر، بی‌شک مشکل دخترانی که ازدواج موقت کرده‌اند از مشکل دخترانی که امروزه با چند پسر رابطه (نامشروع) دارند، کمتر خواهد بود. از سوی دیگر، در شرایط کنونی لزومی ندارد که ازدواج موقت در شناسنامه دختر ثبت، و نزد همگان علنی شود؛ چرا که به لحاظ شرعی، صرف خواندن خطبه عقد توسط طرفین کافی است و طرفین می‌توانند تنها از باب احتیاط، عقدنامه را در برگه‌ای ثبت کنند و دو شاهد بر آن امضا کنند که در صورت بروز هر مشکلی، در دادگاه قابل اثبات باشد.^۱

خلاصه کلام این که امروزه افرادی که به جای ازدواج موقت شرعی، به ارتباطات نامشروع روی می‌آورند، برای زمان ازدواج دائم چه می‌کنند؟ هر کاری بکنند، موقعیت کسی که به جای ارتباطات نامشروع، ازدواج مشروع داشته، از آنها بهتر خواهد بود؛ و محل بحث ما دخترانی‌اند که در معرض این روابط قرار گرفته‌اند.^۲

۴. برخلاف آنچه در ابتدا تلقی می‌شود، چنین ازدواج موقتی از جهات متعددی به کنترل دختران و حفظ آنها کمک خواهد کرد. نخست این که این اقدام موجب منضبط شدن روابط تحت اشراف خانواده‌ها می‌شود و همین امر امکان ارائه آموزش‌های جنسی لازم جهت آگاه‌سازی دختران را فراهم می‌آورد. دیگر این که دختر علاقه‌مند به ارتباط با جنس مخالف، وقتی از این مکانیسم و به نحو مشروع و با شرط ضمن عقد، روابطی با پسر برقرار می‌کند، احساس گناه نمی‌کند، در نتیجه با بیش از یک پسر ارتباط برقرار نمی‌کند و چون تعداد

←

در ورطه کمونیسم جنسی غرق شوند.» (مطهری، ۱۳۶۹: ۶۵).

۱. البته، شرعاً برای ازدواج (چه ازدواج دائم و چه موقت) شاهد گرفتن ضروری نیست؛ و آنچه اشاره شد تنها برای احتیاط است که مشکلی پیش نیاید و برای مثال، اگر ناخواسته دختر باردار شد، بچه به سادگی از جانب مرد انکار نشود. برای این که مسئله علنی نشود، می‌توانند خود نزدیکان دختر (برای مثال، خود پدر دختر که اذن می‌دهد و...) را شاهد بگیرند. در برخی روایات آمده که خوب است لااقل یک شاهد بگیرند که دختر احساس نکند مرتکب فحشا می‌شود (حرعاملی، ۱۴۱۳: ۶۴/۲۱). اگر به هردلیل، دختر با ازدواج موقت، بچه‌دار شد، پدر بچه - حتی اگر پیش از این شرط کرده باشد که بچه‌دار نشویم - شرعاً حق انکار بچه را ندارد (حرعاملی، ۱۴۱۳: ۶۹/۲۱-۷۰) و تأمین معاش (نفقه) بچه نیز بر عهده او خواهد بود.

۲. در روایتی از امام صادق ^۷ درباره ازدواج موقت دختران باکره پرسش می‌شود و حضرت می‌فرماید: «هل جعل ذلک الا لهن فلیسترن ولیستعفنن»؛ آیا این حکم جز برای آنان قرار داده شده؟ پس در پوشش و خفا انجام دهند و [بدین وسیله] عفت خود را حفظ کنند (حرعاملی، ۱۴۱۳: ۳۳/۲۱). البته روایات دیگری هست که مردان را به پرهیز از ازدواج موقت با دختران باکره فراخوانده، که شاید وجه جمع این روایات این باشد که روایت اول به این اشاره دارد که اگر از منظر نیاز دختر مسئله مطرح است، این اساساً برای آنهاست؛ اما اگر مرد دنبال ازدواج موقت است، خوب است سراغ دختران نرود؛ چرا که افزون بر این که ممکن است آن دختران واقعاً هنوز احساس نیاز به این مرحله نکرده باشند؛ «ان امرها شدید فاتفوا الا بیکار» (حرعاملی، ۱۴۱۳: ۳۵/۲۱)، اغلب خانواده‌ها هم این کار را برای دختر خود نمی‌پسندند: «یکره للعب علی اهلها» (همان: ۳۴/۲۱).

دختران در یک جامعه محدود است خود به خود پسران هم محدود خواهند شد. سوم این که، امکان رفع بکارت دختر بسیار کاهش می‌یابد؛ در حالی که در روابط نامشروع، چون تدریجی و با غفلت دختر صورت می‌گیرد، احتمال وقوع این مشکل بسیار بیشتر است. توضیح مطلب این که در برقراری ارتباط بین دو جنس مخالف، غالباً اولین خواسته دختران، محبت و رابطه عاطفی است، و اولین خواسته پسران، رابطه جنسی. پسران این را در مورد دختران می‌دانند، اما دخترانی که اول بار با پسران رابطه برقرار می‌کنند، این را در مورد پسران نمی‌دانند؛ از این رو، به آسانی ابراز محبت پسران را باور می‌کنند و گام به گام با همین ابراز محبت‌های پسر، خواسته‌هایش را پاسخ می‌گویند تا تمام مراحل رابطه جنسی طی شود. بدین ترتیب وقتی دختر و پسر از ابتدا رفتارشان را نامشروع می‌دانند، هم احتمال غافلگیری دختر زیاد می‌شود و هم ادامه دادن مسیر نامشروع برایشان آسان‌تر است؛ اما وقتی رابطه مشروع و تحت نظارت والدین باشد و با شروط ضمن عقد محدود شده باشد، اگر تمایل جنسی آنها شدیدتر شد و خواستند وارد مراحل بعدی شوند، قبل از فرا رفتن از شروط ضمن عقد، باید ابتدا با هم توافق کنند و همین طلب موافقت، دختر را حساس می‌کند و در بسیاری از موارد، می‌تواند مانع برداشتن گام‌های بعدی شود.

۵. اگر پدر تعصب ورزد و احراز شود که مخالفت وی تنها ناشی از لجاجت و تعصب نابجاست، به اجماع فقها، اذن وی ساقط می‌شود (مطهری، ۱۳۶۹: ۹۳). توضیح مطلب این که بحث ما در جایی است که نیاز جنسی دختر فعال شده و شرایط ازدواج دائم وجود ندارد. چنان که پیش‌تر اشاره شد، نخست این که اسلام، رهبانیت را قبول ندارد و ثانیاً، این دختر در شرایطی است که اگر به نحو مشروع نیاز خود را رفع نکند، احتمال گرویدن به ورطه گناه برایش وجود دارد. اگر احتمال لغزش و فرو افتادن در گناه باشد - به فتوای همه فقها - ازدواج واجب است؛ و از آنجا که امکان ازدواج دائم وجود ندارد، پس ازدواج موقت واجب می‌شود. در چنین شرایطی، گاه پدر با ازدواج موقت وی با پسر خاصی مخالفت می‌کند، یا این که امکان نامزدی برای ازدواج دائم را مهیا می‌بیند و برای مثال، به خاطر شرایط اجتماعی اصرار دارد از همان ابتدا ازدواج دائم صورت گیرد، و یا... این گونه موارد ناشی از همان مصلحت‌سنجی صحیحی است که فلسفه اذن پدر همین مصلحت‌سنجی‌هاست.^۱ اما اگر

۱. «زن به اعتراف روان‌شناسان صبر و استقامتش در مقابل شهوت از مرد بیشتر است [و برای همین است که همواره مردان به سراغ زنان می‌رفتند و زنان ناز می‌کرده‌اند]. اما آن چیزی که زن را از پا در می‌آورد و اسیر می‌کند این است که نغمه محبت و صفا و وفا و عشق از دهان مردی بشنود. خوش‌باوری زن در همین جاست. زن مادامی که دوشیزه است و هنوز صابون مردان به جامه‌اش نخورده است، زمزمه‌های محبت مردان را به سهولت باور می‌کند... رسول اکرم ﷺ، ←

مخالفت پدر تنها از روی لجاجت است، یعنی با این که می‌داند دختر وی در معرض گناه قرار گرفته و یا حتی مبتلا به گناه شده و راه دیگری برای دختر وجود ندارد - تنها به خاطر تعصب در مخالفت با اصل ازدواج موقت - به او اذن نمی‌دهد، این مخالفت مصداق لجاجت شمرده می‌شود و مخالفت غیرمنطقی است.^۱

۶. با همه نکاتی که در باب شرط ضمن عقد و... بیان شد، باز امکان این که توسط درصدی از دختران این مسیر تا انتها پیموده شود و حتی برخی از آنها باردار شوند نیز وجود دارد. اما هر قانونی عوارضی هم دارد و در مقام فرهنگ‌سازی و قانون‌گذاری باید مجموع سود و زیان را محاسبه کرد. یعنی درصدی هم به این وضع می‌رسند، اما این درصد اقلیت خواهند بود و بی‌شک از وضعیتی که دختران بی‌ضابطه و گاه حتی با چند پسر رابطه دارند و چه بسا شاهد موارد متعددی از بارداری‌های ناخواسته و سقط جنین نیز هستیم، بهتر است.^۲ توجه شود که این راه کار یک راه کار شرایط بحران است نه یک راه کار اصلی و جایگزین

می‌فرماید: «سخن مرد به زن «تو را دوست دارم»، هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود» مردان شکارچی از این احساس زن همواره استفاده می‌کنند. دام «عزیزم، از عشق تو می‌میرم» برای شکار دخترانی که درباره مردان تجربه‌ای ندارند بهترین دام‌هاست... این جاست که لازم است دختر مرد ناآزموده، با پدرش که از احساسات مردان بهتر آگاه است - و پدران جز در شرایط استثنائی برای دختران خیر و سعادت می‌خواهند - مشورت کند و لزوماً موافقت او را جلب کند» (مطهری، ۱۳۶۹: ۹۵).

۱. اشاره به این نکته در این جا مناسب است که بنا بر فتوای برخی از فقها، دختر رشید (یعنی دختری که از عقل متعارف برخوردار است، برنامه زندگی به دست خویش است و در زندگی عادی خود نیازی به حمایت پدر ندارد) نیازی به اذن پدر ندارد. توجه شود که در ادبیات فقهی، «رشید» غالباً در مقابل «سفیه» قرار می‌گیرد؛ و از همین رو - به‌ویژه در مسائل اقتصادی - علامت رشید بودن را همان رسیدن به سن بلوغ شرعی قلمداد می‌کنند، مگر این که به دلیلی سفاهت وی اثبات شود. اما به نظر می‌رسد در مسئله ازدواج، مفهوم رشید بودن، تا اندازه‌ای متفاوت باشد. شاهد بر این ادعا، روایاتی است که در عین این که در دختر باکره، اذن پدر را شرط دانسته، اما توضیحاتی داده که اگر صاحب اختیار امور خود باشد، گویی وضعیتش متفاوت است (برای مثال، نک: کلینی، ۱۳۸۳: ۳۹۲/۵؛ روایات ۳ و ۲ از «باب التزویج بغیر ولی»). شاید فلسفه این حکم آن باشد که اولاً فاصله بلوغ جنسی و ازدواج به قدری زیاد شده که این دختر عملاً به رشد اجتماعی لازم خود رسیده که فریبکاری پسران را تشخیص دهد و ثانیاً به خاطر همین رشید بودن، از والدین خود فاصله‌ای گرفته که دیگر نیاز عاطفی وی با روابط صمیمانه پدری برآورده نمی‌شود. همچنین برخی دیگر از فقها اذن پدر را شرط تکلیفی می‌دانند، نه شرط تحصیلی؛ یعنی در صورتی که اذن نگیرند تنها مرتکب گناه «اذن نگرفتن» شده‌اند، اما اصل عقد ازدواج مشکلی پیدا نمی‌کند. اما از آن جا که اغلب فقهای معاصر حکم به وجوب اذن پدر داده‌اند، بحث بر اساس همین مبنا توضیح داده شد. در هر صورت در مقام عمل، هر کس باید به فتوای مرجع تقلید خویش عمل کند.

۲. شاید توجه و دقت به آمارهای حاملگی دختران در آمریکا هشدار خوبی برای ما باشد، به‌ویژه اگر دقت کنیم که وضعیت در آن جامعه دائماً رو به وخامت است به طوری که از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۴، یعنی در مدت ۱۳ سال و در حالی که رشد جمعیت حدود ۱۵ درصد بوده، اما «تعداد دخترانی که تا ۱۸ سالگی حامله می‌شوند» ۸۰ درصد رشد داشته و از نیم میلیون [به نهصد هزار نفر رسیده است] (فیجو و گرایتون، ۲۰۰۴؛ به نقل از دیکلمنت، ۲۰۰۹: ۵۲۳).

ازدواج دائم؛ و اگر خدایی که خالق است، شارع این قانون نیز هست، حساب عوارض آن را کرده است. افزون بر این، اگر این روال منضبط شکل گیرد، امکان آموزش‌های جنسی لازم برای پیش‌گیری از بارداری نیز مهیا می‌شود؛ آموزش‌هایی که چون در یک فضای منضبط اجتماعی انجام می‌شود، می‌تواند مؤثرتر و کارآمدتر از نمونه‌های غربی آن باشد.^۱

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گسترش روابط دختر و پسر در جامعه ما تهدیدی، نه فقط برای دینداری نسل جوان، بلکه برای آینده جایگاه خانواده در جامعه و سلامت جنسی نسل جوان است. فضای مدرن، در مجموع نوعی کمونیسیم جنسی و آزادی و بی‌مسئولیتی در روابط را توصیه می‌کند، و فضای سنتی، راه کار را در این می‌داند که تا پیش از زمان تشکیل خانواده، نوجوان و جوان یک دوره رهبانیت را در پیش گیرند. با این حال، از طرفی، با شکوفایی غریزه جنسی در این مقطع سنی و نیز شدت یافتن تحریکات جنسی در جامعه، توصیه به حرمت روابط نامشروع تا اندازه‌ای بی‌اثر شده؛ و از طرف دیگر فاصله افتادن میان بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی، توصیه به برآوردن و ارضای این نیاز با تشکیل خانواده در این سن را در شرایط کنونی ناکارآمد ساخته است و مسئله این بود که در تعالیم اسلامی چه راه‌کاری برای مدیریت نیاز جنسی در چنین شرایطی می‌توان یافت.

یکی از راه‌کارهایی که در جامعه ما گاه برای رفع این معضل پیشنهاد می‌شود، توصیه به ازدواج موقت است، که غالباً با مخالفت‌هایی روبه‌روست. از دلایل این مخالفت‌ها، این است که هم پیشنهاددهندگان و هم منتقدان، مسئله را تنها از زاویه رفع نیاز پسران مطرح می‌کنند. آنچه در این نوشتار مورد بحث قرار گرفت، این بود که مسئله ازدواج موقت تنها برای پسران نیست، بلکه برای دختران نیز قابل طرح است؛ اما باید جایگاه و نحوه طرح آن را جدی گرفت. یعنی مسئله این است که بر اساس اندیشه‌های اسلامی، چگونه می‌توان این فضایی را که به سمت عادی‌سازی دوستی دختر و پسر حرکت می‌کند، کنترل کرد و به سمت فضای

۱. تحقیقات نشان می‌دهد که گسترش آموزش‌های جنسی در محیط‌های آموزشی در آمریکا، تاثیری جدی در کاهش آمار بارداری در سنین نوجوانی نداشته است (میلر، ۲۰۰۳). به نظر می‌رسد یک علت مهم آن است که در آن جامعه، روابط نامشروع قبیحی ندارد؛ و به تبع آن بارداری ناشی از آن هم به خودی خود چنان قبیحی ندارد، بلکه چنان‌که تحلیل‌های خود محققان آمریکایی نشان داده، عوامل اجتماعی متعددی که ناخودآگاه مشوق بارداری در آن جامعه باشد، نیز وجود دارد (خدایاری‌فرد و عابدینی، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۶). اما در جامعه ما به این دلیل که هنوز اجمالاً این روابط و به‌ویژه بارداری حاصل از آن شدیداً قبیح و زشت شمرده می‌شوند می‌توان حدس زد که اگر بارداری‌ای رخ می‌دهد، صرفاً ناشی از عدم آگاهی دختران از مسائل مربوطه است، و لذا با منضبط شدن روابط، امکان ارائه مناسب این آموزش‌ها نیز فراهم می‌آید و این آموزش‌ها می‌تواند مانع بارداری در سنین نوجوانی شود.

مطلوب پیش برد. البته، مسئله را از دو زاویه «پیش گیری» و «درمان» می توان مورد توجه قرار داد که در مقاله حاضر عمدتاً بحث دوم، آن هم از زاویه دختران مدنظر قرار گرفت.

مباحث این مقاله در خصوص درمان این مسئله در جانب دختران، مبتنی بر یک خط مشی کلان فرهنگی بود: «مسئول کردن جوانان در قبال رفتارهای خود با جنس مخالف». الگوی حل مسئله این است که با الهام از مسئله شرعی ای به نام «ازدواج موقت» چگونه می توان این رفتارها را با تصویری جدید و منضبط، حتی الامکان تحت مدیریت خانواده ها قرار داد. راه حل هم ناظر به این بود که اگرچه در معارف اسلامی تربیت عاطفی، و تقویت حیا، تقوا و خودنگهداری مورد تأکید قرار گرفته، و پدر با روابط عاطفی صحیح می تواند تا پیش از زمان ازدواج دختر، مانع فعال شدن نیاز جنسی وی شود؛ اما در عین حال رهبانیت مردود شمرده شده و اگر کسی به رغم رعایت اصول خودنگهداری، همچنان خود را نیازمند ارضای جنسی دانست، و حتی «ازدواج دائم با مسئولیت محدود» نتوانست مشکل را حل کند، راهی به نام ازدواج موقت پیش پای وی وجود دارد؛ و ازدواج موقت، اولاً به معنای برقراری تمامی مراتب روابط جنسی نیست، و می تواند در حد یک رابطه جنسی محدود باشد، و ثانیاً جدی گرفتن این راه کار، نه تنها توصیه به گسترش شهوت رانی نیست، بلکه در مجموع می تواند زمینه لازم را برای کنترل و سالم سازی روابط جنسی دختران و پسران فراهم آورد. بر این اساس، ارضای غریزه جنسی (در شرایط اضطراری که راه ازدواج دائم وجود ندارد) از راه ازدواج موقت، به بقای حس مسئولیت پذیری در نوجوان و جوان، که لازمه یک زندگی اجتماعی مطلوب است، کمک می کند؛ یعنی فرد مسئولیت خود در قبال دیگری را به رسمیت می شناسد، و چون امکانات لازم برای تشکیل خانواده را ندارد، به عرصه قانونی ای که مسئولیت های اجتماعی کمتری را بر دوش او می گذارد، روی می آورد.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی، علی اصغر (۱۳۸۶) آسیب شناسی دوران بلوغ و ارتباطات دختران و پسران دانش‌آموز و راهکارهای آگاهی‌بخشی صحیح ارتباطات (منتشر نشده، به سفارش: کمیسیون تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی).
۳. بنی‌هاشمی خمینی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۰) توضیح‌المسائل مراجع (مطابق با فتاوی دوازده نفر از مراجع معظم تقلید)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۳) وسائل الشیعه، بیروت: موسسه آل البیت.
۵. خدایاری فرد، محمد و عابدینی، یاسمین (۱۳۸۶) مشکلات سلامتی نوجوانان و جوانان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. دستغیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۳) گناهان کبیره، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. سوزنچی، حسین (۱۳۸۸) «علم دینی به منزله مبتایی در باب نحوه تعامل علم و دین» در راهبرد فرهنگ، ش ۶.
۸. _____ (۱۳۹۲ الف) «جنسیت و دوستی، مواجهه‌ای اسلامی با مسئله دختر و پسر»، قم: نشر معارف.
۹. _____ (۱۳۹۲ ب) «مقدمه‌ای بر طراحی شاخص‌ها، الزامات و راهبردهای نظام آموزشی کشور در دهه پیشرفت و عدالت» در (مجموعه مقالات) دهه پیشرفت و عدالت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۰. شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا) (۱۴۱۰ هـ) الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۰۹) من لایحضره الفقیه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۳) الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶) جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۴. مجلسی، محمد تقی (۱۴۱۲) بحارالانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹) نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
۱۶. _____ (۱۳۷۲) اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران: صدرا.
۱۷. نوری، حسین (۱۳۸۴) مستدرک وسائل الشیعه، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

18. DiClemente, Ralph J., Hansen, William B. & Ponton, Lynn E. (1995), *Handbook of Adolescent Health Risk Behavior*, New York: Plenum Press.
19. DiClemente, Ralph J. , Santelli, John S. , Crosby, Richard A. (2009), *Adolescent health: understanding and preventing risk behaviors*. San Franchisco: John Wiley and Sons.
20. Hardy, J. B. & Zabin, L. S. (1991), *Adolescent pregnancy in an urban environment*, Munich: Urban & Schwarzenberg.
21. Lukas, Carrie L. (2006), *The Politically Incorrect Guide to Women, Sex And Feminism*, Washington DC. Rengery Publishing Inc.
22. Miller, B. C. (2003), "Families, science, and values: Alternative views of parenting effects and adolescent pregnancy", *Journal of Marriage and the Family*, vol 55, 7-21.

